

تأثیر اشتباه در مسوولیت کیفری

حسین رزمجو*

چکیده

مبنا و اساس پایان‌نامه «تأثیر اشتباه در مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس» قاعده مشهور «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» که مبتنی بر اصل فرض اطلاع همگان از قانون پس از گذشت مدت زمان مقرر قانون بوده و این به دلیل افراط ضرورت حفظ نظم عمومی و مسدود کردن راه بهانه‌افرازی که با ادعای جهل به قانون قصد فرار از حاکمیت تساوی قانون داشته و اینکه در غیراین صورت مستلزم تالی فاسد عقلی، برتری دادن موقعیت «جاهلانه به قانون» در مرتبه بالاتر از «عالمان با قانون» بوده ولی در دهه اخیر به دلیل عدم انطباق قاعده مزبور با واقعیات موجود در جوامع، چرخشی در تعدیل قاعده مزبور در قوانین بسیاری از کشورهای پیشرفته صورت گرفته و اینکه در قوانین بعد از انقلاب ایران (که برگرفته از فقه اسلامی است) در مواردی به صورت پراکنده و غیرمسنجم ذکر گردیده، که در این نوشتار سعی در بررسی آن داشته است.

واژگان کلیدی

مسئولیت کیفری، علم، جهل، اقسام تقابل، عناصر متشکله جرم، اشتباه موضوعی، اشتباه حکمی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی.

مقدمه

عدالت اقتضا می‌کند هر مکلفی به میزان عصیان و نیت خود قابل سرزنش باشد و تفصیر هر کسی موقوف به علم وی بر اوامر و منهیات قانون‌گذار باشد. در صورتی که کسی بر حکم ترتب بر افعال خود و یا بر ماهیت و نتیجه فعل خود علم و آگاهی نداشته باشد انصاف حکم می‌کند که چنین فردی مقصر و مسئول شناخته نشود. اشتباه از جمله مواردی است که از یک طرف توسل به آن با نظم عمومی در تعارض است و از سوی دیگر بی توجهی نسبت به آن با عدالت فردی ناسازگار است در بعضی موارد، مرتکب جرم مدعی اشتباه می‌شود و خواستار آن است که فاقد مسئولیت کیفری تلقی شود مثلاً شخصی به تصور اینکه شبی در تیر رس اوست آن را هدف قرار می‌دهد. در حالی که شب مورد نظر وی انسانی بوده است این شخص از نظر کیفری مرتکب اشتباه شده است نه مرتکب جنایتی، اما این دفاع زمانی قابل قبول است که نتیجه اشتباه قابل پیش‌بینی نباشد و الا به علت عدم پیش‌بینی خطر که خود تقصیر مسئولیت خواهد داشت لذا عقلاً جهل و اشتباهی را رافع مسئولیت می‌دانند که غیر قابل مقاومت یا مقرون به دلیل صحیح باشد.

در حقوق جزای اغلب کشورها نظیر، مواد ۸۱ و ۸۲ قانون جزای اتریش، ماده ۴۴ قانون جزای ایتالیا، ماده ۷۹ قانون جزای پرتغال، ماده ۵۹ قانون جزای آلمان و ماده ۲۶ قانون جزای مصر، ماده ۲۲ قانون کوبا با اعتقاد به عدم تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری، قاعده (جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست) پذیرفته‌اند به این معنا که پس از تصویب و انتشار قانون فرض بر این است که عموم افراد از آن مطلع شده‌اند و کسانی که در مقام آگاه شدن از قانون برنیامده‌اند مسلماً در این راه مسامحه و سهل‌انگاری

۱. مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، نقابت، سیدضیاء الدین، ص ۵۳۲، کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

کرده‌اند. ولی در سیستم حقوقی کامن لا (common law حقوق انگلستان) بر خلاف برخی از سیستم‌ها مثل آلمان، سوئیس دفاع جهل به قانون در مواردی معدود پذیرفته شده است. جهل به قانون تحت هیچ شرایطی به عنوان یک دفاع معتبر قابل پذیرش نمی‌باشد حتی اگر جهل به قانون اثبات شده و متهم نیز هیچ‌گونه قصور یا تقصیری در جهل خود نداشته باشند برای مثال در دعوای بیلی در سال ۱۸۰۰ دادگاه‌های انگلستان متهمی را به ارتکاب جرمی محکوم کردند که وی در حین انجام سفر دریایی با کشتی مرتکب آن شده بود و این عمل در اثنای همان سفر دریایی وی جرم شناخته شده بود. یعنی اینکه او نه تنها نسبت به جرم بودن عمل خود مطلع نبوده بلکه هیچ وسیله‌ای نیز برای کسب اطلاع در اختیار نداشته است.^۲

در ایران قبل از انقلاب اسلامی به موجب ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و همچنین حکم شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۱۷/۲/۲۰ دیوان عالی کشور ادعای جهل به قانون مسموع نبود. آیا در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران جهل و اشتباه بر مسئولیت کیفری تأثیر دارد یا خیر؟

چنانچه پاسخ مثبت باشد، قلمرو تأثیر آن‌ها بر مسئولیت کیفری در حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

این پرسشی است که هدف ما در این نوشتار تعیین تأثیر جهل و اشتباه و قلمرو آن بر مسئولیت کیفری در این خصوص می‌باشد. شایان ذکر است بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نویسندگان و اساتید حقوق با تصویب قانون مجازات اسلامی و توجه خاص قانون‌گذار به

۲. Bailey (1800) russ & ry1 به نقل از دکتر میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و

مالکیت، چاپ هشتم، نشر میزان ص ۲۳۰

۳. مجموعه رویه قضایی قسمت کیفری، متین احمد ص ۲۸۸.

منابع فقهی و شرعی نتوانسته اند مبنای صحیح دقیقی راجع به تأثیر جهل و اشتباه بر مسئولیت کیفری اتخاذ نمایند و چون قاعده درأ (ادر الحدود بالشبهات) و حدیث^۴ رفع منقول از پیامبر (ص) (رفع عن امتی تسعة اشیاء الخطأ والنسیان و... و ما لا یعلمون...).

در نظام کیفری اسلام منبع اصلی حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران در جرائم مستوجب مجازات حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات می‌باشد، باعث گردیده حقوق دانان به روشنی نتوانسته‌اند نسبت به قاعده « جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست » در حقوق جزای ایران اعلام نظر نمایند.

زیرا، به عقیده آن‌ها در حقوق جزای عرفی که جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست اما در حقوق جزای اسلامی که قانون مجازات اسلامی متأثر از آن است با وجود قاعده درأ و حدیث رفع آیا قاعده مذکور حکمفرما می‌باشد یا خیر؟

قانون‌گذار ایران در کتاب اول قانون راجع مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (۶۲ ماده اول آن که کلیات حقوق جزا را پیش‌بینی کرده است) نسبت به جهل و اشتباه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری ساکت است اما در کتاب‌های حدود و قصاص و تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در مواد مختلف جهل حکمی و موضوعی را مورد عنایت قرار داده است . (جهل موضوعی و حکمی موضوع ماده ۶۶ در باب حد زنا - ماده ۱۶۶ جرم شرب خمر - بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۹۸ در باب جرم سرقت و جهل موضوعی در بند ج ماده ۲۶ ، ماده ۲۲۶ و مواد ۲۹۵ و ۲۹۶).

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، حدیث ۱۲، ص ۵۳.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۳۶ و ۳۹۹ و شیخ صدوق ، المقنع، ص ۱۴۷.

۶. مفاد بند ۵ و ۶ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی در عبارات فقها درباره سرقت در کتب فقهی که جهل به حکم و موضوع را موجب درأ الحد دانسته‌اند . عبارتند از : شیخ محمد حسن نجفی ، جواهر الکلام ج ۴۱،

که در این نوشتار سعی شده تأثیر اشتباه و جهل بر مسئولیت کیفری بررسی شود همان‌طوری که مذکور افتاد قانون‌گذار در بعضی از جرائم مستوجب حد نظیر زنا، شرب خمر، و سرقت با ذکر موادی جهل حکمی و موضوعی را پذیرفته و متعرض دیگر جرائم مستوجب حد نشده است، با توجه به اینکه جرائم زنا، سرقت، شرب خمر فاقد هرگونه ویژگی خاصی برای وجه تمایز با دیگر جرائم مستوجب حد می‌باشد لذا به نظر می‌رسد عمده دلیل ذکر این سه نوع جرم و تأثیر جهل بر آن‌ها در فقه اسلامی فقط در موارد مذکور بسنده گردیده لذا در قانون مجازات اسلامی نیز به همین موارد اکتفا شده است. و در مورد بقیه جرائم مستوجب حد (لواط، مساحقه، قذف، محاربه و افساد فی الارض) سکوت شده است. در حالی که ضرورت داشت قانون‌گذار قلمرو تأثیر جهل و اشتباه و مسئولیت کیفری بر این نوع از جرائم را نیز مشخص می‌کرد در صورتی که در کتاب فقهی از جمله تحریر الوسیله ج ۲، ص ۴۸۳ حضرت امام خمینی (ره) الفصل الخامس فی حد السرقة به کلیه جرائم مستوجب حد نظر دارند که قانون مجازات اسلامی در واقع ترجمان آن در قالب قوانین و مقررات بوده در باب جرم سرقت با ذکر واژه و "غیرها" به کلیه جرائم مستوجب حد نظر دارند و می‌فرماید: يعتبر فی السرقة و غیرها مما حد فیہ ارتفاع الشبهة حکماً و موضوعاً.

الباب الخامس فی السرقة ص ۲۲۱ / علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، الفصل الحادی عشر فی حد السرقة ص ۴۱۳ / شهید ثانی شرح لمعه ج ۹، فصل الخامس فی السرقة ص ۲۲۱ / آیه الله خوئی سید ابوالقاسم مبنی تکمله المنهاج، ج ۱، الثالث عشر، السرقة ص ۲۸۳ / محقق حلی ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع، کتاب الحدود و التعزیرات، الفصل الخامس فی الحد السرقة / علامه حلی شیخ جمال الدین ابی منصور، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، کتاب حدود، المقصد السادس فی حد السرقة.

در سرقت و غیر آن (یعنی دیگر جرائم مستوجب حد) شبهه حکمی و موضوعی نباید

وجود داشته باشد .

برای اینکه از نظر حقوقی و قضایی جرمی واقع شود ارتکاب یک عمل مادی (عنصر مادی) که از طرف قانون‌گذار پیش‌بینی و قابل مجازات باشد کافی نیست بلکه باید این عمل مادی (conduct) اثر اراده مرتکب آن باشد عمل در حقوق انگلیس اراده جنایی (mens Rea) در برابر عمل جنایی (Actus Reus) عنصر اخلاقی جرم را تشکیل می‌دهد . به علاوه عنصر اخلاقی باید به عنصر مادی (قبل ، بعد یا مقارن) پیوندد تا جرم واقع گردد .^۷ مقنن فقط اثر ضد اجتماعی یک عمل ارادی را مجازات می‌کند ولی اگر اراده مجرمانه وجود نداشته باشد مثلاً در موارد علل موجهه جرم (علل توجیه‌کننده) نظیر دفاع مشروع ، امر آمر قانونی ، ... و علل غیرقابل انتساب نظیر صغر ، جنون ، اضطراب و ... اساساً جرمی واقع نمی‌شود. این امر نه تنها در مورد جرائم عمدی بلکه در مورد جرائم غیرعمدی ناشی از بی احتیاطی، بی مبالایی، مسامحه ... صادق است . بنابراین جرمی واقع نمی‌شود و در نتیجه مجازات نیست مگر اینکه مرتکب اراده یا شعور نقض قانون جزا را داشته باشد . این اراده یا شعور عنصر مشترک تمام جرائم را تشکیل می‌دهد به این ترتیب صحبت از جرائم غیرارادی صحیح نیست و اصطلاح قتل یا ایراد صدمه غیرعمدی هرگز به این معنا نیست که این جرائم اثر یک اراده نیستند بلکه امر بی احتیاطی حاصل شده است . بلکه فقط به این معناست که نتیجه آن‌ها خواسته نشده است .

اراده که همیشه برای تحقق جرم لازم است کلیه اعمال بزه کارانه ارادی هستند این اراده بعضی اوقات فقط مربوط به خود عمل است گاهی به عمل و نتیجه حاصل از آن ارتباط

7.The means Rea and actus reus must coincide/ criminal law Micheal Jefferson MA (OXAN) BCL.p 141.

دارد. وقتی مرتکب عمل و عواقب آن را خواسته و عمل برای حصول نتیجه آن انجام داده است گفته می‌شود قصد جزایی یا سوء نیت جرایمی (intention) وجود دارد (نظیر قتل عمد، قتل عمد با سبق تصمیم murder) وقتی که مرتکب فقط عمل را خواسته بدون توجه به نتایج آن در صورتی که باید نتایج عمل خود را پیش‌بینی می‌کرد و در صورت پیش‌بینی می‌توانست از آن اجتناب کند می‌گویند تقصیر جزایی وجود دارد. (negligence, recklessness)

معانی لغوی مسئولیت

برای روشن شدن عنوان بحث ابتدا به بررسی معانی واژه‌های مسئولیت و اشتباه می‌پردازیم:

مسئولیت (مسئولیت): متصد رضاعی یا جمعی از مسئول، ضمانت، ضمان، تعهد، مؤاخذه، مسئول بودن، موظف بودن به انجام امری، مسئولیت چیزی یا کسی بودن، به گردن او در عهده او در ضمان و پایندان او بودن. مسئولیت داشتن، مسئول بودن، متعهد بودن، موظف بودن و در اصطلاح حقوق: تعهد قهری یا اختیاری شخص در مقابل دیگری است (خواه مالی باشد خواه غیرمالی).^۸

مسئولیت اسم مفعول از فعل سئل بوده و به معنی قابل بازخواست بودن آمده است و غالباً به معنای تکلیف و وظیفه و آنچه که انسان عهده‌دار آن باشد تعریف شده است. در فرهنگ جامع نوین: مسئولیت به معنای قابل بازخواست بودن و مسئول به معنای قابل جواب آمده است.

۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴۳، ص ۴۴۸، چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی.

۹. سیاح، احمد، فرهنگ جامع نوین، عربی به فارسی، تهران، انتشارات اسلامی سال ۱۳۶۱، ص ۹۵۹.

در فرهنگ فارسی معین نیز مسئول به معنای: چیزی خواهش شده، کسی که فریضه‌ای بر ذمه دارد که اگر عمل نکند از او بازخواست شود و مسئولیت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری آمده است.^{۱۰}

همچنین در مفردات راغب در تعریف مسئولیت آمده است: مسئول به معنی درخواست کردن، یعنی از حالی پرسیدم و در سوره مبارکه انفال آیه ۱ آمده: یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ یعنی در مورد انفال از شما می‌پرسند و مسئول به معنی قابل بازخواست ذکر شده است.^{۱۱} و بالاخره بنابر آنچه در ترمینولوژی حقوق آمده است: مسئولیت عبارت از تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است.^{۱۲}

انواع مسئولیت

چون واژه مسئولیت در مفهوم عام و کلی آن شامل انواع مسئولیت‌های مدنی، اخلاقی، کیفری و بین‌المللی می‌شود.

مسئولیت مدنی عبارت از، انواع تعهد قانونی فرد به جبران به ضرری که به دیگری وارد کرده است.

در فرق بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری می‌توان گفت: برای تشخیص مسئولیت مدنی، نتیجه حاصل مورد توجه قرار می‌گیرد نه قصد و نیت عامل.

مسئولیت کیفری عبارت است از الزام قانونی شخص به جبران و پاسخگویی نتایج و آثار کیفری و مدنی حاصل از عمل مجرمانه‌ای که از روی اراده و یا تقصیر مرتکب شده است.

۱۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج سوم، تهران چاپخانه سپهر، سال ۱۳۶۲ ص ۴۰۷۷.

۱۱. ابی‌القاسم، محمد، معروف به راغب اصفهانی، مفردات راغب ص ۲۵۱.

۱۲. جعفری لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوقی، چاپ تهران، کتابفروشی طهور سال ۱۳۵۶، ص ۶۴۳.

عوامل رافع مسئولیت کیفری

عواملی هستند که به توانایی و اهلیت خاص شخص مرتکب جرم مربوط می‌شوند یا ریشه‌های درونی و نفسانی و شخصی دارند لذا روی عنصر فاعل جرم اثر کرده و جرم ارتكابی از ناحیه او را غیر قابل انتساب می‌کند و نهایتاً مسئولیت کیفری او را متزلزل می‌سازند به طوری که فرد به هیچ‌وجه پاسخگوی عمل مجرمانه‌ای که انجام داده است نخواهد بود و این عوامل منحصرأً مسئولیت مرتکب عمل مجرمانه را زائل ساخته و اثری در رفع مسئولیت شرکا و معاونین که در جرم شرکت و یا معاونت داشته‌اند نخواهد داشت . و از این رو به نظر برخی از حقوق‌دانان عللی مانند خواب، اجبار، اکراه، مستی، فورس مازور، صغر، جنون و هیپنوتیزم جزء عوامل رافع مسئولیت کیفری یا علل غیرقابل انتساب می‌باشند .

قابل ذکر است که همه این عوامل از لحاظ اثر و مبانی بودن مسئولیت کیفری در تمام موارد یکسان نیستند و عناصری چون مستی، و خواب، مسئولیت کامل کیفری مرتکب را در همه موارد منتفی نمی‌سازند بلکه مؤثر در میزان مسئولیت او هستند لذا به نظر می‌رسد که انتخاب عنوان عوامل رافع و مؤثر در مسئولیت کیفری برای این نسبت دقیق‌تر و جامع‌تر باشد .

به این لحاظ برخی از مؤلفان حقوق جزا که نظر آنها به سیاق مواد قانون حقوق جزا و منطق حقوقی نزدیک‌تر است علل رافع مسئولیت کیفری را به دو قسم مجزا تحت عناوین علل تام و علل نسبی رافع مسئولیت کیفری تقسیم می‌نمایند بنابراین عواملی چون کودکی، جنون و اجبار را جز علل تامه رافع مسئولیت کیفری دانسته که این موارد غالباً به طور کامل مسئولیت جزایی مرتکب جرم را رفع و نفی می‌کنند عواملی مانند مستی، خواب یا بیهوشی و هیپنوتیزم را از علل نسبی رافع مسئولیت ذکر کرده که می‌توانند تحت شرایط خاص و تا حدودی رافع مسئولیت کیفری شوند .

بالاخره نکته آخر اینکه به طور کلی عوامل رفع مسئولیت بر روی شرایط و عناصر عمومی مسئولیت کیفری یعنی بلوغ، عقل، اختیار اثر گذارده و رافع مسئولیت کیفری مرتکب جرم می‌گردند، مثلاً عنصر بلوغ یک مانع و رافع بیشتر ندارد و آن هم عنصر صغر است. و عواملی که روی قوه عاقله اثر گذارده و باعث فقدان آن قوه می‌شوند عبارتند از: خواب، بیهوشی، مستی و جنون.

و عواملی که اختیار و اراده فرد را منتفی می‌سازند عبارتند از: اجبار، اکراه، تهدید، فورس ماژور. بالاخره در بعضی موارد علم نیز از شرایط تحقق مسئولیت کیفری بوده و انواع اشتباه می‌توانند روی عنصر علم و آگاهی فاعل جرم اثر گذارده و باعث شود که فکر مرتکب به نحوه ارتکاب جرم تأثیر کند.

لذا از میان تمامی عوامل رافع مسئولیت کیفری تنها در این مقال، بحث اطراف اشتباه و انواع آن که در بعضی موارد با شرایط خاص موجب زوال یا کاهش مسئولیت کیفری می‌شود ادامه خواهد یافت.

قانون گذاری ایران در کتاب اول باب چهارم تحت عنوان حدود مسئولیت جزایی که مواد مربوط به ۴۹ الی ۵۶ خود صرفاً به پاره‌ای از علل و جهاتی که مانع تعقیب و مجازات متهم می‌شود و یا موجبات عدم تحقق مسئولیت کیفری می‌گردد اکتفاء و از ذکر کلیه شرایط مسئولیت کیفری خودداری نموده است. البته عدم ذکر شرایط مسئولیت کیفری در قوانین جزایی دیگر کشورها نیز سابقه داشته است به طوری که پروفیسور گارو در کتاب خود در این زمینه چنین می‌نویسد: (قوانین جزا شرایط مسئولیت را هیچ وقت بیان نمی‌کنند. زیرا، این مسائل به نحوی مفتوح بوده و زیادی این شرایط مانع مسدود شدن آن‌ها است. لهذا قوانین مثبت مملکت در مقام تعریف شرایط مسئولیت بر نمی‌آیند به خصوص که باید تعریف جامع و مانع باشد.^{۱۳}

۱۳. نقابت، سید ضیاء الدینی، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ج اول، ص ۵۲۷.

قانون‌گذار کیفری ایران شرایط مسئولیت کیفری، شرایط عامه تکلیف یعنی بلوغ، عقل و اختیار دانسته است به لحاظ اینکه قانون‌گذار شخصی را مورد امر و نهی قرار می‌دهد و انجام یا ترک فعل از او خواسته می‌شود باید معنا و مفهوم قانون را به خوبی و روشنی درک کند.

ولی به هر حال چون علم به حکم و قانون یک فرض قانونی است، زیرا، فرض قانونی، این است که قوانین پس از انتشار و سپری شدن مهلت قانونی آن لازم الاجرا بوده و همه افراد جامعه باید از مضمون آن مطلع باشند خود علم یک فرض قانونی است و براین اساس است که گفته می‌شود: جهل به حکم رافع مسئولیت نیست. بنابراین نمی‌توان علم را از شرایط عامه تکلیف برای تمامی جرایم دانست و همین طور عصر قصد نیز یک حالت روانی و مربوط به جرم نیست و نتیجه عمل مجرمانه در جرائم عمدی است که نشان می‌دهد مرتکب در بدست آوردن نتیجه عمل مجرمانه خویش قاصد بوده است. لهذا از نقطه نظر قصد و اراده مجرمانه است که می‌توان جرائم را به سه دسته مجزا و متمایز از هم، تحت عناوین جرائم عمدی یا غیرعمدی و خطایی تفکیک کرد و قابل شناسایی قرار داد و در صورت احراز قصد، جرائم ارتكابی را از مصادیق جرائم عمدی محسوب و در صورت فقدان آن از جرائم غیرعمدی و یا خطایی دانست.

بنابراین قصد و اراده پایه و اساس مسئولیت در جرائم عمدی است که پس از احراز شرایط مسئولیت کیفری یعنی بلوغ، عقل و اختیار در مرتکب مورد توجه قرار گرفته و نوع جرم ارتكابی از ناحیه او را مشخص می‌کند.

بنابراین عنصر قصد و مسئولیت همانند عناوین دیگری مثل عالماً و عامداً که هم معنی بوده و مربوط به خصوصیت ذهن مرتکب می‌شود که مساوی است به تعلق گرفتن اراده مرتکب بر امر خاص حقوقی که قانون این امر از شخص عاقل، بالغ و مختار، صادر می‌گردد انتظار دارد و نمی‌تواند جرم در کاری خارج از مسئولیت باشد فلذا جوهره و

ماهیت علم و قصد با ماهیت عقل و بلوغ و اختیار متفاوت بوده و متعلق است به اراده مرتکب نه به خصوصیات جسمانی او.

احد از حقوق‌دانان در مورد عدم ذکر عنوان اشتباه در قانون می‌نویسد: "قانون راجع به مجازات اسلامی در مورد اشتباه ساکت است و ماده خاصی در این زمینه در ۶۲ ماده این قانون نمی‌توان دید مشخص نیست به چه دلایلی تهیه‌کنندگان را از منظور داشتن اشتباه از زمره علل رافع مسئولیت بازداشته است، در حالی که در مواد مختلف قانون حدود و قصاص به این مسئله اشاره شده است.^{۱۴} البته این قوانین قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۷۰/۵/۸^{۱۵} بوده ولی به هر حال در قانون اخیرالتصویب نیز این اشکال به قوت خود باقی است و ماده خاصی که اشتباه را به عنوان رافع مسئولیت کیفری مورد حکم قرار داده

۱۴. نور بهار، رضا، زمینه حقوق جزایی عمومی، ص ۲۵۳، انتشارات کانون و کلای دادگستری.
 ۱۵. مواد ۱ تا ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی که از تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۷ برای مدت ۵ سال به طور آزمایشی قابل اجرا بوده به موجب ماده واحده قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ به مدت ۱۰ سال و سپس به موجب قانون مصوب ۸۵/۵/۲۹ مدت اعتبار آزمایشی قانون مزبور به مدت یکسال دیگر تمدید شده است ولی در لایحه قانونی مجازات اسلامی ارسال شده از سوی قوه قضایی به مجلس شورای اسلامی نقص برطرف شده و در بحث سوم تحت عنوان "اجبار، اضطراب، جهل و اشتباه" ماده ۶-۱۴۳ مقرر می‌دارد:
 "هرگاه شخص در اثر خطای در فعل و یا اشتباه در موضوع یا جهل به قانون در مواردی که در جهل به قانون عذر باشد عمل مجرمانه‌ای از او صادر شود مستوجب مجازات مقرر برای آن عمل نخواهد بود ولیکن چنانچه در مقدمات و سهل انگاری و بی احتیاطی کرده باشد مشمول مجازات‌های جرائم غیر عمدی می‌گردد."

ماده ۳-۱۴۳ مسئولیت دیه و ارش و ضرر و زیان مالی در موارد اضطراب، عدم اختیار، خطاء و جهل معذر ساقط می‌شود و باید طبق مقررات خاص به آن‌ها عمل شود.

ماده ۷-۱۴۳ صرف ادعای یکی از موانع مسئولیت در این فصل از طرف متهم مسموع نیست و باید آن را در دادگاه به اثبات برساند مگر در مواردی که در این قانون به خلاف آن تصریح شود.

باشد در متن این قانون به چشم نمی‌خورد. و دکتر نوربهاء معتقدند که عدم ذکر اشتباه در قوانین تعزیری دست قاضی را نمی‌بندد به دلیل اینکه در تعزیرات قاضی می‌تواند با توسل به حدیث رفع در صورت حدوث اشتباه مسئولیت مجرم را بپذیرد و وانگهی در حالی که حدود با شبهه رفع می‌شوند منطقی نیست که تعزیرات نتواند از این قاعده بهره ببرند و منطبق و انصاف نیز چنین حکم می‌کند.^{۱۶}

یا احد از حقوق‌دانان^{۱۷} دیگر می‌فرماید:

عدم پیش‌بینی صریح آن (اشتباه) در مقررات قانونی، محدودیت و مانعی در راه اعمال از ماده پیشتر در مورد کسانی که به علت اشتباه مرتکب جرم می‌شوند ایجاد نمی‌کند. زیرا، قاعده محدودیت تفسیر مقررات جزایی (تفسیر مضیق) در مواردی که مفید، به حال متهم باشد بی اثر است^{۱۸} و مسئولیت کیفری و علل نسبی رافع مسئولیت کیفری مورد نقد و بررسی قرار داده و عواملی چون کودکی، جنون و اجبار را جز علل تامه تعریف کیفری دانسته و قائل شده‌اند که این علل غالباً به طور کامل مسئولیت جزایی فرد مرتکب را از بین می‌برند.

اشتباه اعتقاد به امری است که مطابق با حقیقت نباشد.

تعبیر اشتباه در ادبیات حقوق از معنای آن دور نیفتاده و مراد از آن تصور امر خلاف قانون و روابط حقوقی است که حد اعلای اشتباه را می‌توان جهل نامید و یا به عبارت دیگر اشتباه تصور نادرستی است که انسان از حقیقت پیدا می‌کند.^{۱۹}

۱۶. (همان مأخذ، ص ۲۵۴).

۱۷. صانعی، پرویز، جزوه حقوق جزای عمومی ۲، ص ۶۴، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. صانعی، پرویز، همان.

۱۹. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ص ۹۹.

معنای لغوی واژه اشتباه

اشتباه در لغت به معنای مانند شدن، و یا چیزی را به جای چیز دیگر گرفتن آمده است.^{۲۰}

از اشتباه در لغت نامه دهخدا از جمله معانی ذیل آمده است :

اشتباه : مانند شدن، يقال اشتبهوا اذا شبه كل واحد منهما الآخر حتى التباسا (منتهی الارب (مانند چیزی شده (زوزنی)، مانند شدن (ترجمان علامه جرجانی ص ۱۳)، چیزی را به غلط عوض چیزی گرفتن (فرهنگ نظام)... و هرگاه در آن اشتباهی افتاء ادراک معانی ممکن نگردد (کلیله).

یا به معنای پوشیده شده، نهفته ماندن، مانند شدن، باز نشناختن، بازندانستن، سهو، خطا.^{۲۱}

صاحب مجمع البحرین به آیه قرآن تمسک کرده قوله تعالی تشابهت قلوبهم ای اشبه بعضها بعضاً فی الکفر و الفسق و آخر متشابهات ای متماثلات ای بعضها بمائل بعضاً^{۲۲} یا ابن منظور در لسان العرب به همین معنا آورده است.

موارد واژه‌های مشابه واژه اشتباه

کلماتی مانند نسیان و فراموشی جهل، اشتباه، خطا، سهو و غفلت در اذهان مردم معنای واحد یا حداقل قریب به هم را متبادر می‌کند. بر همین اساس در بعضی از کتب حقوقی و یا به هنگام استعمال یا محاوره آن‌ها را به جای یکدیگر به کار می‌برند. در حالی

۲۰. فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۷۸ و ۲۷۹، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۲۱. لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۲۶۱۹، چاپ سیروس، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت نامه.

۲۲. شیخ فخرالدین الطریحی النجفی، مجمع البحرین، کتابفروشی بوذر مجوری، مصطفوی، ص ۵۲۳.

که از منظر واژه‌شناسی میان آن‌ها تفاوت وجود دارد بنابراین به بررسی معانی آن‌ها خاصه مهم‌ترین آن‌ها که واژه جهل است اشاره می‌کنیم.

نسیان و فراموشی و ارتباط آن با اشتباه

واژه نسیان

بالاخره واژه دیگری که ممکن است مرتبط با کلمه جهل و اشتباه باشد کلمه نسیان است و در حدیث رفع هم از آن یاد شده است. نسیان در لغت به معنای فراموشی است در کتاب مفردات راغب آمده است: النسیان الانسان ضیط ما استودع اما نصف قلبه و اما عن غفله و اما عن قصد حتی يتحدف عن القلب ذكره.

با استقراء در متون فقهی در می‌یابیم که در بسیاری از موارد ناسی ملحق به جاهل است و در معذور بودن دارای حکم مشترک‌اند. همچنان در حکم وضعی از حدیث رفع مستفاد می‌شود با انسان جاهل حکم واحدی دارند.

فراموشی عبارت است از عدم حضور ذهن انسان نسبت به شیء در هنگام نیاز انسان به آن شیء.^{۲۳}

در میان مفاد سهو و نسیان که عبارت است از صور علمی که از خزانه ذهن بر طرف شده و محو می‌گردد برخلاف سهو با کوچک‌ترین توجه مجدداً در ذهن حاضر نمی‌شود.

واژه غفلت

این کلمه در اصطلاح‌های فقهی مقابل شک به کار می‌رود آدم شاک غیر از آدم غافل است. شاک جاهل به جهل بسیط است. وظیفه او تحصیل علم یا ظن معتبر است و عذری

۲۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب الفاظ القرآن الکریم، ماده جهل، دارالمعرفه، بیروت.

۲۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲.

از او پذیرفته نمی‌شود به خلاف غافل که جاهل به جهل مرکب است و در روایات عنوان الجاهل المعذور ناظر بر غافل و جهل مرکب می‌باشد، غفلت تقریباً مترادف سهو است و غفلت موجب زوال اراده می‌شود و در نتیجه منجر به اشتباه کردن انسان می‌شود.

تقصیر و ارتباط آن با اشتباه

تقصیر در اصل عربی و مصدر باب تفعیل است و قصر فی الامر یعنی در کار سستی کرد در فارسی نیز تقصیر در معنای، سستی، کوتاهی کردن در کاری، سهو، غفلت، خطا، غلط، گناه، جهات عیب به کار می‌رود. اصطلاح تقصیر هم در متون فقهی و هم در حقوق جزا بیان شده است و هر کدام معنای خاصی را اراده کرده‌اند.

واژه غلط

معنای این واژه همان کلمه اشتباه در زبان فارسی است و در تعریف اصطلاحی آن گفته‌اند حاله تقوم بالنفس تحمل علی توهّم غیر الواقع یا توهّم يتصور فيه العاقد غیر الواقع. واقعاً فيحمله ذلك علی ابرام عقد لو لاهذا التوهّم لما اقدم عليه. العلم علی غیر الوجه الصواب كما يعرف الغلط فی الواقعه هو: العلم بها علی نحو يخالف الحقیقه.

توهّم حالت نفسانی است که غیرواقعی است یا فرد متوهم که به صورت غیرواقعی است تصور می‌نماید و فرد عاقد عقدی را براساس آن منعقد می‌نماید و چنانچه این توهّم غیرواقعی نبود به این عقد اقدام نمی‌نمود.

۲۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت نامه، چاپ سیروس.

۲۶. الوسیط فی شرح قانون المدنی، ج ۱، ص ۳۱۱، نظریه العقد، ص ۳۴۹، مصادر الحق، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الاشتباه و النظائر، ص ۱۴۱، بیروت، ۱۴۰۷.

علم غلط به طریق غیر صحیح می‌باشد که این صورت را غلط تعریف می‌نماید و علم به یک واقعه به نحوی است که حقیقت ندارد.

واژه خطاء

این واژه معمولاً در فقه و حقوق جزا کاربرد دارد و در برابر عمد به کار می‌رود و در توصیف آن گفته‌اند خطا عبارت است از: وصف عملی که فاعل آن دارای قوه تمیز نبوده و به علت غفلت یا اشتباه یا بی‌مبالاتی و عدم احتیاط عملی را که مخالف موازین قانونی یا اخلاقی است مرتکب شده است.

بنابراین یکی از علل خطا جهل و اشتباه است و ممکن است علل دیگری مانند سهل انگاری، غفلت و... نیز داشته باشد و می‌توان نتیجه گرفت که خطا اعم از اشتباه است چون گاهی خطا را مقابل عمد به کار می‌برند. در آن صورت اعم از تخلف عمدی و غیرعمدی است ولی کلمه خطا در متون فقهی اعم از جزایی و مدنی گاهی به مفهومی معادل اشتباه و جهل به کار می‌رود و اتفاقاً به عنوان عیب اراده هم مطرح شده است.^{۲۸}

واژه سهو

^{۲۹} سهو، غفلت از چیزی است به طوری که با کوچک‌ترین یادآوری شخص متنبه گردد. سهو اشتباهی است که از غفلت یا فراموشی ناشی می‌شود. از این رو هر سهوی اشتباه است ولی هر اشتباهی سهو نیست زیرا اشتباه یا جهل مرکب اعتقاد به امری خلاف واقع است خواه به کوچک‌ترین چیزی جاهل متنبه گردد یا نگردد.

۲۸. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۶۳، تهران، انتشارات بنیاد راستا، ۱۳۶۳.
۲۹. همان.

واژه اشتباه

در زبان عربی معادل شک، شبهه، بدگمانی و التباس است و در لسان العرب^{۳۰} ابن منظور جلد هفتم ماده الشبه آمده است الشبه والشبهه و شبهه، المثل و الجمع اشباه واشبه الشيء الشيء ماثله. در مثال عربی آمده است من شبه اباه فما ظلم و المشبهات من الامور: المشكلات و المتشابهات المماثلات و الشبه الامر اذا اختلط و اشبهه على الشيء.

کاربرد دیگر اشتباه در زبان فارسی در کتب حقوقی و قانون مدنی است که معادل آن در زبان عربی به ویژه در کتب حقوقی معاصر^{۳۱} کلمه "غلط" به کار رفته است. مانند: الغلط في الشيء یا الغلط في الشخص، الغلط هي الحكم الشرعي و ...

در تمام این موارد معنای اصطلاحی از معانی لغوی چندان دور نیفتاده است. از آنچه درباره این اصطلاح و واژه‌شناسی گذشت می‌توان نتیجه گرفت واژه اشتباه در زبان فارسی و جهل مرکب و کلمه غلط در زبان عربی به لحاظ کاربرد فقهی و حقوقی یکسان هستند. در هر سه مورد انسان اولاً تصور در ذهن دارد برخلاف نسیان به آن تصور ذهنی آگاهی هم دارد ثانیاً آن تصور مطابق با واقع نیست یعنی تصوری خلاف واقع از اشیاء و یا ارکان و اجزای و شرایط اعمال حقوقی دارد.

ثالثاً: به این عدم تطابق آگاهی ندارد یعنی نمی‌داند که نمی‌داند.

محل بحث و تخصیص در موضوع این نوشتار جهل و اشتباه به معنای تصور خلاف واقع از اشیاء می‌باشد و لذا از میان اصطلاح‌هایی که ذکر شد جهل مرکب به مفهوم شک و شبهه نسبت به حکم یا موضوع اساس بحث و تحقیق است.

۳۰. لسان العرب للامام العلامة ابن منظور الافريقی المصری، ج ۷، ص ۲۳ ماده شبه طبع داراحیاء التراث العربی ۱۴۰۸-۱۹۸۸ بیروت، الطبعة الاولى.

۳۱. سنهوری، عبدالرزاق مصادر فی الحق فی الفقه الاسلامی، ج ۱۲، ص ۱۱۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت بی تا.

تفحص و تصفح دقیق در واژه‌های مشابه، اشتباه، جهل، خطا، غلط، سهو، نسیان و نظایر آن‌ها به لحاظ کاربرد متفاوت و متباین آن‌ها در زبان عربی و فارسی امکان تعیین محل اختلاف را آسان می‌کند و از خطر افتادن در مغالطه‌های لفظی رهایی می‌بخشد.

واژه جهل

در کتب لغت جهل و جهالت به معنای نادانی، حماقت و ستمکار آمده است در کتاب مفردات راغب سه معنی را برای جهل ذکر شده است:

الاول: و هو خلوا النفس عن العلم هذا هو الاصل. جهل آن است که ذهن انسان از هر گونه علم و آگاهی خالی باشد.

الثانی: اعتقاد الشيء به خلاف ماهو علیه. یعنی شخص اعتقاد به چیزی دارد ولی برخلاف حقیقت آن شیء است.

الثالث: فعل الشيء بخلاف ما حق ان يفعل سواء اعتقاداً فيه اعتقد صحيحاً او فاسداً. یعنی انجام دادن کاری که خلاف حقیقت آن شیء است چه براساس اعتقاد صحیح انجام داده باشد و چه فاسد.

معنای اول اشاره به جهل بسیط دارد، معنای دوم ناظر به جهل مرکب است و معنای سوم ظاهراً اعم از آن دوست.

در لغت نامه دهخدا در باب کلمه جهل جلد ۲۱ ص ۱۸۰ آمده است: جهل به معنای نادان بودن، نادان شدن، ضد علم است و به دو قسمت بسیط و مرکب تقسیم می‌شود. جهل بسیط یعنی عدم آگاهی از حقیقت شیء و جهل مرکب یعنی اعتقاد غلط به حقیقت شیء داشتن و این مرادف اشتباه است.

۳۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب الفاظ القرآن تحقیق سیدگیلانی، چاپ دارالمعرفه بیروت، بیتا.

گاهی اتفاق می‌افتد که حقیقت چیزی برای ما معلوم است در این صورت ناآگاهی در برخی موارد ناشی از تصور غیر صحیحی است که ما از آن شیء داریم. و در موارد دیگر اینکه اصلاً از آن چیز تصویری در ذهن به وجود نیامده است. صورت اول نمایانگر اشتباه است و صورت دوم جهل مساوی با فقدان است به نحوی که به مرحله تصور اشتباه‌آلود نمی‌رسد. اما اشتباه تصویری نادرست است که در ذهن عاقل به وجود می‌آید. بر همین اساس ایجاد یک اثر حقوقی می‌شود مطابق این بیان در اشتباه تصور و فکر است ولی تصور غلط است. به خلاف جهل که در اصل وجود فکر و تصور تردید است.

حقوق دانان در تعریف اصطلاحی اشتباه می‌گویند: تصور نادرستی است که آدمی از چیزی دارد و در مبحث معاملات عبارت است از تصور نادرست معامله‌کننده درباره یکی از ارکان و عناصر عقد. یا گفته‌اند اشتباه عبارت است از تصور خلاف واقع از اشیاء و یا اشتباه عبارت است از تصور خلاف حقیقت و واقعیت

انسان از یک شیء و این اصطلاح بیشتر در حقوق مدنی به کار می‌رود. و چنین اشتباهی ممکن است به تشکیل عقد یا اجزاء مفاد آن باشد.^{۳۳}

انواع جهل و جایگاه آن از نظر کیفیت تحقق آن در ذهن

مفهوم جهل و مشتقات آن همان معنای لغوی، حقوقی و اصطلاحی است که بحث آن تحت عنوان بررسی واژه‌ها گذشت و مراد از آن عدم آگاهی از حکم و قانون یا موضوع آن است. اعم از جهل بسیط و مرکب که شامل موارد شک و شبهه هم می‌شود.

۳۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۴۰۹ / کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ص ۹۹ / جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ج ۱، ص ۶۲۸.

پیوند جهل و اشتباه

در بررسی موضوع مذکور این نکته مستفاد می‌گردد که در بررسی مبانی نظری جهل و اشتباه در دیدگاه فقها و حقوق‌دانان مطرح گردیده هرچند در متون و نوشته‌های فقهی واژه جهل و در نوشته‌های حقوق‌دانان واژه و کلمه اشتباه مصطلح است. ولی با مذاقه در معانی آن‌ها و غور در معانی آن‌ها کاملاً نشانگر پیوند جهل و اشتباه در ربط و هویت اعمال حقوقی آن‌ها می‌باشد. وقتی مفهوم حقیقی یک چیزی را درک نمی‌کنیم که یا تصویری در آن امر نداریم یا تصور غیر صحیحی داریم حالت اول را جهل و حالت دوم را اشتباه گویند.^{۳۴}

از آنجا که اصولاً در تألیفات حقوقی به طور اعم و در منابع حقوق کیفری به نحو اخص از اشتباه و جهل توأماً بحث می‌شود این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا منظور از اشتباه همان جهل می‌باشد یا اینکه تفاوت‌هایی در واقع بین این دو وجود دارد؟ در این خصوص در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های لغت بین این دو واژه تفاوت‌هایی وجود دارد به عبارت دیگر اشتباه را دقیقاً نمی‌توان مرادف با جهل محسوب نمود زیرا همان طور که در قسمت مفهوم لغوی اشتباه اشاره شد فردی که دچار اشتباه می‌شود خیال می‌کند که نسبت به واقعیت موضوع یا حکمی آگاهی دارد و با توجه به تصور غلط خویش مبادرت به ارتکاب عملی می‌نماید اما چنانکه در لغت نامه دهخدا آمده است: جهل معنای نادان بودن ، نادان شدن ، ضد علم و ... می‌باشد .

همچنین جهل به دو قسم بسیط و مرکب تقسیم شده است جهل بسیط به معنای ندانستن حقیقت چیزی مطلقاً و جهل مرکب به اعتقاد جازم غیر مرتبط با واقع معنا شده است.^{۳۵}

۳۴. نقابت، سیدضیاء الدین، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ج ۱، ص ۵۲۷، ۵۲۸، کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۳۵. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۶۰.

بنابراین جهل نیز درجاتی دارد که در سایر منابع منعکس شده است: الجهل البسيط. ان یجهل الانسان شیئاً و هو ملتف الی جهله فیعلم انه لایعلم... الجهل المركب ان یجهل شیئاً و هو غیر ملتف الی انه جاهل به بل یعتقد انه من اهل العلم، فلا یعلم انه لایعلم... جهل بسیط (مركب توصیفی): ندانستن حقیقت چیزی مطلقاً (آندراج) (غیاث اللغات) جهل مرکب (مركب توصیفی): اعتقاد داشتن بر ماهیت چیزی به طوری که این اعتقاد خلاف ماهیت آن باشد جهل مرکب عبارت است از اعتقاد جازم غیرمطابق خواه مستند شبهه باشد خواه مستند به تقلید.^{۳۶}

در این جا نیز ملاحظه می‌شود که جهل بسیط زمانی است که انسان جاهل است. نسبت به موضوعی در حالی که توجه به عدم آگاهی خود دارد اما در جهل مرکب در عین حالی که نمی‌داند معتقد است که می‌داند، نتیجه اینکه در جهل بسیط انسانی می‌داند که نمی‌داند. اما در جهل مرکب نمی‌داند به عبارت دیگر فکر می‌کند که می‌داند بنابراین از آنجا که اشتباه نیز به تصور غلط از حقیقت تعبیر شده به نظر می‌رسد که با جهل مرکب حکم واحدی داشته باشد. بنابراین به طور کلی از نظر اصولی و فلسفی می‌توان گفت جهل مرکب و اشتباه تغایر مفهومی و اتحاد مصداقی دارند. و در بعضی منابع حقوقی نیز در مقام بیان اشتباه و فرق آن با جهل بر همین بناء استدلال شده است که در این زمینه گارو فالو در کتاب مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا ص ۵۲۹ می‌گوید:

"اثر جهل یا اشتباه در نسبت کیفرها چیست؟ وقتی مفهوم حقیقی یک چیزی را درک نمی‌کنیم که یا تصور در آن امر نداریم یا تصور غیر صحیحی داریم حالت اول را جهل و حالت دوم را اشتباه می‌گویند."

۳۶. لغت نامه دهخدا، دهخدا علی اکبر، ج ۱۶، ص ۱۷۹-۱۸۰، انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت‌نامه چاپ سیروس، قسمت مربوط به جهل.

اما از دیدگاه حقوق اسلامی، جهل را نوعی شبهه دانسته‌اند و در این رابطه گفته شده: هرگاه کسی جهل نسبت به یکی از مسائل چه اصولی و چه فرعی داشته باشد شبهه محسوب می‌شود و شبهه جلوی اجرای کیفر را می‌گیرد. اما از نقطه نظر حقوقی جهل و اشتباه در نظام حقوق کیفری ما در بسیاری از موارد عملاً دارای یک نتیجه و در واقع منطبق بر یکدیگرند، اما بهتر است در استعمال کلمات دقت بیشتری شود هر چند دادگاه‌ها و علمای حقوق نیز این دو واژه را برابر می‌دانند.

رابطه جهل با علم

در بررسی جهل بایستی به نقش علم و جایگاه آن در ساختار مسئولیت کیفری توجه کرد. علما لغت وقتی جهل و جهالت را معنا می‌کنند می‌گویند: الجهالة ان تفعل فعلاً بغير العلم. جهل را مقابل علم قرار می‌دهند. به دنبال آن این بحث تحت عنوان تقابل جهل و علم چگونه تقابلی است؟ در علم اصول فقه و منطق مطرح می‌گردد. آیا تقابل آن دو تضاد است یا تناقض و یا تضایف یا ملکه و عدم ملکه؟

با بررسی‌هایی که در محل آن در منطق و اصول فقه بعمل آمده بنا بر قول مشهور از نوع رابطه ملکه و عدم ملکه است. یعنی علم، ملکه و امر وجودی است و جهل مفهوم عدمی دارد یعنی الجهل عدم العلم فی ما من شأنه ان یکون عالماً و این معنا را در اینجا به عنوان یک اصل موضوعی می‌پذیریم عدالت اقتضا دارد که تقصیر مرتکب فعل خلاف قانون موکول و منوط به علم وی باشد و بنابراین هرگاه مرتکب عمل به کیفیت و ماهیت و نتیجه حاصله از عمل مزبور وقوف و آگاهی نداشته باشد و از حکم قانونی که منع آن است مطلع نباشد نباید مقصر و مسئول شناخته شود و به آن سبب مجازارت گردد این مطلب صحیح و منطقی است.

مفهوم حقوقی اشتباه

واژه اشتباه در مفهوم حقوقی آن همسو با معانی لغوی می‌باشد در تألیفات حقوقی بعضاً از اشتباه تعریف شده است. به این مضمون که اشتباه عبارت است از تصور خلاف حقیقت و واقعیت انسان از چیزی.^{۳۷} (مادی یا معنوی) اشتباه حکمی به هر یک از دو مورد ذیل گفته می‌شود: الف: تصور وجود قانونی که اساساً وجود ندارد. ب: تفسیر نادرست از یک قانون به تصور از اینکه آن تفسیر درست است. آنچه که از اشتباه به مفهوم حقوق استنباط می‌شود می‌توان چنین تعریف نمود: اشتباه عبارت است از اینکه شخص در انتخاب قانون صحیح مرتکب خطا شود که البته این اشتباه ممکن است در موضوع جرم نیز حادث شود.

اشتباه ناشی از تفسیر قانون

در این فرض شخص به لحاظ استنباط از مواد قانون و درک و کشف مفاد صحیح از مقصود و منظور قانون‌گذاری دچار اشتباه گردیده و به تبع آن مرتکب عمل مجرمانه‌ای می‌شود در حالی که کاملاً از وجود مقررات قانونی آگاه بوده و به هیچ وجه قصد (سوء نیت) ارتکاب جرم و تخطی از مقررات قانونی را نداشته است در این مورد حقوق دانان برای فهم عین مسئله مواردی را به عنوان مثال ذکر کرده‌اند که به دو مورد از آنان نمونه اشاره می‌شود:

یکی از آنان دو مورد بحث پیرامون ماده ۱۴۱^{۳۸} قانون راجع به تعزیرات مصوبات سال ۱۳۶۱ می‌باشد قانون‌گذار در این ماده نشر اکاذیب را که جمع نشر کذب و دروغ است

۳۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، چاپ دوم، ص ۴۵.

۳۸. مقاد ماده مرقوم عیناً در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ مورد تقنین قرار گرفته.

جرم دانسته و برای آن مجازات تعزیری مقرر کرده است. ولی در محاکم موارد بسیاری مشاهده شده. که متهم به اتهام نشر کذب به دیگری براساس این ماده تحت تعقیب، قرار گرفته است. متهمی با استناد به منطوق و مفهوم همین ماده قانونی در مقام دفاع می‌گوید که او مرتکب نشر کذب گردیده است نه نشر اکاذیبی که موضوع این ماده قانونی است. فلذا خودش را از مفاد این قانون خارج قلمداد کرده است و در نهایت خود را مبرا از مسئولیت قانونی می‌داند.

ولی محاکم و حقوق‌دانانی که مبادرت به بیان این نوع مثال‌ها کرده معتقدند که چنین فردی اشتباه در تفسیر قانون کرده و چنین اشتباهی نیز پذیرفته نخواهد بود.^{۳۹}

مورد دیگر مطابق ماده ۲ از قانون ازدواج مصوب آذرماه سال ۱۳۱۷ کلیه دفاتر رسمی ازدواج مکلفند در سراسر کشور قبل از وقوع و ثبت ازدواج از زن و مرد گواهی پزشکی مبنی برنداشتن امراض مسریه مطالبه نمایند. ماده ۴ همین قانون مجازات از دو ماه تا یک سال برای تخلف از ماده ۲ پیش‌بینی نموده سردفتری تفسیری از ماده ۲ کرده است به خیال اینکه ماده ۲ اطلاق به خارجیان ندارد از اجرای مفاد آن در مورد دو تا نامزد فرانسوی سرباز مرتکب اشتباه در تفسیر قانون شده است.^{۴۰}

البته در مبانی علم حقوق جزا در اینکه مرتکب چنین اشتباهی آیا مبری از مسئولیت می‌باشد یا نه اختلاف نظر وجود دارد برخی از حقوق‌دانان معتقدند که اشتباه در تفسیر قانون بدون اثر است و مسئولیت مجرم را از این اعتبار در اجرای قانون را نمی‌توان به منظور اعمال، اغماض نمود به هر صورت چه مجرم جاهل به موقع اجرا قانون باشد یا آن را غلط تفسیر کند مسئول و قابل تعقیب جزایی است.^{۴۱}

۳۹. نوربهاء، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۲۵۱، تهران انتشارات کانون وکلای دادگستری.

۴۰. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ص ۶۹ و ۷۰، تهران انتشارات فردوسی، سال ۶۹.

۴۱. عیسی، حسن، حقوق جزای عمومی، ص ۵۹، تهران سال ۱۳۱۸، خودکارو ایران.

برخی دیگر از حقوق‌دانان در این زمینه معتقدند که در مورد اشتباه در تفسیر قانون باید قائل به تفکیک شد و به این معنا در مواردی که حکم قانونی صریح و روشن است و امکان اشتباه در خم و تفسیر بسیار اندک است بنابه قاعده منع اجتهاد در قبال نص از کسی که اجتهاد یا تفسیر مخالفی از چنین موادی نماید و چنین تفسیری غیرقابل قبول بوده و رافع مسئولیت نخواهد شد و در قانون لزوم ارائه گواهی نامه پزشک را قبل از ازدواج سال ۱۳۱۷ پیش‌بینی شده است سردفتر باید از نامزد گواهی پزشکی مطالبه نماید.

با توجه به اطلاق عبارت از نامزد که در ماده فوق آمده است و این که امر ازدواج منحصر و مخصوص زن و مرد ایرانی نیست بلکه هر زن و مرد خارجی که در ایران بخواهند ازدواج کنند ناچار باید از مقررات و قوانین موضوعه ایران اطاعت کنند لذا اشتباه در تفسیر ماده آن محلی بر رفع مسئولیت سردفتر محسوب نمی‌شود و اقدام او تخلف از مقررات قانونی که با مجازات حبس از دو ماه تا یک سال پیش‌بینی شده در ماده ۴ مواجه است ولی در مواردی که عبارت مواد قانونی به نحوی تنظیم شده است که تاب استنباط دو یا بیشتر را دارد و دلایل بر قصد مجرمانه مرتکب موجود نیست بنا بر اصل برائت می‌توان او را مبری دانست.

آثار اشتباه

الف) گاهی اشتباه موجب خدشه در عناصر اساسی متشکله جرم و موجب

زوال مسئولیت کیفری گردد

تأثیر اشتباه در عناصر متشکله و اساسی جرم

از آنجا که در سیستم حقوقی بنابر نظر عده‌ای از علمای حقوق تحقق هر جرم منوط به اجتماع سه عنصر قانونی، مادی و معنوی می‌باشد و بدون تجمع این سه عنصر هیچ عملی از نظر قانونی جرم نبوده و قابل تعقیب نیست بنابراین در صورتی که اشتباه بتواند در هر کدام از عناصر مزبور مؤثر افتاده و آن را زائل یا مخدوش نماید طبیعتاً عمل مذکور به

دلیل فقدان یکی از عناصر متشکله جرم وصف مجرمانه ندارد و در این خصوص برخی اساتید حقوق از عنصر معنوی به محتوای ذهنی مرتکب تعبیر نموده‌اند.^{۴۲}

به عبارت دیگر برای این که بفهمیم آیا مرتکب مسئولیت داشته است یا خیر؟ باید به سراغ ذهن وی رفته و جستجو کنیم که وی چه چیزی از عمل ارتکاب خویش دنبال می‌کرده و اصلاً هدف و منظور وی چه بوده است؟

و چنانچه منظور از نقض مقررات جامعه نبوده و اساساً از منع قانون آن اطلاع نداشته است قطعاً ذهن وی از هرگونه مسئولیت مجرمانه‌ای مبری بوده است و عنصر روانی از عمل چنین شخص مشهود نبوده و قابلیت انطباق با وصف مجرمانه خاصی را ندارد.

به عبارت دیگر در مورد جهل به قانون در صورتی که اثبات گردد هیچ‌گونه اطلاعی از حکم قانون‌گذار نداشته است اگر نتوانیم بگوییم در این حالت مسئولیت مرتکب منتفی می‌باشد. زیرا، نمی‌خواسته است مقررات جامعه را نقض کند. زیرا، انتساب وصف مجرمانه به عمل او ممکن نیست طبیعی است در موارد شک و تردید طبق اصول مسلم حقوقی کیفری باید به نفع متهم حکم نمود.

در این مورد اشتباه به نحوی است که وصف مجرمانه را زایل می‌سازد و یا اصولاً امکان انجام عمل مجرمانه منتفی می‌گردد به عنوان مثال معنای جهل به مالکیت غیر در سرقت مؤثر بوده موجب رفع مسئولیت کیفری می‌شود و یا مردی با زنی به طور ناآگاه به تصور اینکه در حباله نکاح و یا عده دیگری نیست ازدواج نماید و وقاع نماید و زن نیز این امر را از او مخفی دارد چنین اشتباهی که در موضوع جرم حاصل شده است وفق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی قابل مجازات نیست.

۴۲. دکتر آزمایش، علی، تعزیرات حقوق کیفری اختصاصی، جزوه کارشناسی ارشد.

در حقوق انگلستان در قانون تخریب کیفری انگلستان برای تحقق بزه عمد یا بی پروایی و سهل انگاری (به معنی پیش‌بینی خطر می‌کند ولی با بی‌مبالاتی آن را نادیده گرفتن) نتیجتاً آگاهی مرتکب نسبت به اینکه مال موضوع تخریب به دیگری تعلق دارد یا نیست. چنانچه مرتکب مال دیگری را به تصور تعلق داشتن آن به خودش تخریب نماید به لحاظ فقدان عنصر اخلاقی و معنوی به عنوان جرم تخریب قابل تعقیب نیست و همین موضوع در دعوی اسمیت مورد پذیرش واقع شده است (Smith / 1974 Q. B. 354).

مضافاً محکوم شدن فرد به جرم تخریب در صورتی است که متهم اعتقاداً از هیچ عذری مشروع (lawful excuse) برخوردار نباشد و حتی در دعوی دنتون 1982/ 1 all-ER (65;1681 / 1 WLR) نظر بعضی از نویسندگان مثل کارد و کراس^{۴۳} معقول بودن یا نبودن این اعتقاد شرط نیست و صرف صادقانه بودن آن کفایت می‌کند.

عدم امکان قانونی legal impossibility بعضی از نویسندگان انگلیسی این موارد را تحت عنوان umbrella type of cases مورد بحث قرار داده‌اند چراکه مثال مشهور این مورد وقتی است که کسی وارد باشگاهی شد. و چتر خود را به تصور اینکه متعلق به دیگری است و به قصد سرقت بر می‌دارد در نقطه مقابل این حالت empty pocket type of cases یا Impossibility^{۴۴} قرار دارد که نمونه بارز آن دست کردن به جیب خالی دیگری به قصد سرقت است.

اشتباه در عناصر اصلی جرم آثار متعددی به بار خواهد آورد و حسب مورد ممکن است موجب زوال مسئولیت و یا تغییر وصف مجرمانه عمل ارتكابی و یا تخفیف مجازات گردند آنکه برای تحقق جرم سرقت که عبارت است از "ربودن متقلبانه مال دیگری

43. card; cross; criminal law p 345.

۴۴. دکتر میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت میزان، ص ۲۲۸.

می‌باشد " کسی که کتاب دیگری به تصور برداشتن مال خود بردارد و این اشتباه موجب زائل شدن عنصر مادی جرم سرقت می‌گردد. بنابراین اساساً بزه سرقت تحقیقی ندارد یا از جمله مواردی که اشتباه در عناصر جرم موجب زوال مسئولیت مرتکب جرم می‌شود علم و آگاهی مجرم از شرایط اصل مسئولیت است در این قبیل موارد هرگاه اثبات گردد که مرتکب در اثر اشتباه عالم به عمل مجرمانه خود نبوده است مسئول عمل ارتكابی نخواهد بود مثلاً اگر مرد مجردي بدون اطلاع از شوهردار بودن زنی اشتبهاً و به خیال اینکه مشاراً الیها بیوه است در حالی که زن هم موضوع شوهردار بودن خود را مخفی کرده است و در نتیجه مرد با زن ازدواج کند چون مرد عالم به شوهردار بودن زن نیست او را معاف از مجازات و مسئولیت خواهد بود و این امر باعث زائل شدن مسئولیت او می‌گردد.

ب) گاهی اشتباه موجب زائل شدن کیفیات مشدده جرم می‌گردد

مثلاً فرد مرتکبی بدون علم به سمت مخاطب که از مأمورین دولت و در حال انجام وظیفه است، اهانت نماید و موضوع به‌جای ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی با ماده ۶۰۸ ق.م.ا. انطباق قانونی خواهد داشت.

ج) اشتباهی که مغیر عنوان مجرمانه است

گاهی که اشتباه در عناصر اصلی جرم ممکن است موجب تغییر وصف عمل مجرمانه شود و جرم عمدی را به جرم غیرعمدی مبدل سازد. مثلاً شخصی در حین ورود به خانه‌اش به تصور اینکه سارقی در منزل اوست از روی اشتباه برادرش که در غیاب وی به منزل آمده هدف گلوله تفنگ قرار داده و او را به قتل رساند این اشتباه موضوعی وصف جرم عمدی را تغییر داده و موجب می‌گردد که عمل ارتكابی او به صورت قتل غیرعمد درآید.

در اینجا حصول اشتباه به نحوی است که تنها وصف عنوان مجرمانه (عمدی بودن) جرم را تغییر می‌دهد (به غیر عمد) به طور مثال ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی که اشتباه قابل قبول را در مورد مأموری که امر غیرقانونی آمر قانونی خود را به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد و عنوان مجرمانه عمدی از عمدی بودن از چنین مأموری زایل ساخته است.

اشتباه در تشخیص حکم قانون موضوع ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد».

مشکل اصلی در اینجا تشخیص صحت و سقم ادعای مأمور نسبت به اشتباه قابل قبول در قانونی بودن امر آمر قانونی است. مقتضی است در این مورد بین غیرقانونی بودن بدیهی و مسلم امر از یک طرف که ظاهراً قانونی بودن امر غیرقانونی بودن از طرف دیگر قائل به تمیز و تفکیک شد.

به نظر می‌رسد راه حل مناسب در بررسی موقعیت مأمور در جهت شغلی، سلسله مراتب اداری، سطح معلومات و آشنایی وی به وظایف مربوط باشد. با احراز حسن نیت مأمور اشتباه در تشخیص قلمرو وظایف قانونی، ممکن است از موارد اشتباه در حکم قانون باشد که گاهی موجب نفی عمد و قصد در جرائم عمدی و نتیجه سقوط مجازات می‌گردد. با تشخیص و احراز حسن نیت مأمور می‌توان موضوع قسمت اخیر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی را از موارد اشتباه در حکم قانون دانست که نتیجه آن سقوط مجازات و استقرار مسئولیت مدنی از جهت دیه (علی‌رغم ماهیت جزایی آن) و ضمان مالی است.

به این ترتیب اجرای اوامر غیرقانونی به وسیله مأمور براساس اشتباه قابل قبول از طرف وی از عوامل موجهه بند ۱ ماده ۵۶ قانون مورد بحث تلقی نمی‌شود بلکه موضوع اشتباه در حکم قانون با فقدان عمد و قصد در نص قانون و همچنین فقدان عنصر معنوی در جرم ارتكابی که نهایتاً موجب تحقق مسئولیت مدنی مأمور در قالب دیه یا ضمان مالی موضوع قسمت اخیر ماده ۵۷ قانون می‌باشد.

در عین حال برابر ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی در شرایط عادی و خارج از موارد اشتباه هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود.

د) گاهی اشتباه ناظر بر فقدان اجزای فرعی متشکله جرم است

مانند به کار گرفتن اشخاصی کمتر از ۱۵ سال به تصور اینکه با توجه به جنه فرد بیشتر از ۱۵ سال به نظر می‌رسد در این صورت فرد مرتکب به لحاظ فقدان عنصر مادی جرم قابل تعقیب کیفری نیست. و از طرفی با توجه به مفاد قانون تشدید مجازات به کار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال مصوب ۱۳۴۷ ایران "هرگاه کسی درمورد سن حقیقی طفل دچار اشتباه شد در نتیجه طفل کمتر از ۱۲ سال را در کارخانه فرش‌بافی به کار گمارد دادگاه در میزان مجازات وی تخفیف قائل خواهد شد."

هرچند ماده مذکور با تصویب ماده ۱۷۶ ناظر بر ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب آبان ۱۳۶۹ نسخ ضمنی گردیده است.

هـ) اشتباهی که موجب تخفیف مجازات است

به عنوان مثال در سرقت مستوجب حد، علم به موضوع و علم به حکم شرط تحقق کیفر حد می‌باشد با این وصف حصول اشتباه نسبت به موضوع سرقت طبق بند ۵ از ماده

۱۹۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است. در ماده ۲۰۳ قانون مرقوم، که مقرر می‌دارد، سرقت فاقد شرایط، حد می‌باشد. در این صورت موجب تخفیف مجازات سرقت از کیفر حد به کیفر تعزیری که خفیف‌تر از حد است می‌باشد.

ز) اشتباه در نتایج حاصله از اشتباه در انسانی که نتیجه عمل خود را پیش‌بینی نکرده است

مثلاً شخصی به قصد گوشمالی دادن دیگری با او درگیر می‌شود و عمداً چند ضربه به او وارد می‌سازد و یا او را با چند ضربه کار و مضروب و مجروح می‌نماید و همین امر موجب قتل شخص می‌گردد.

در این قبیل موارد مرتکب به عمل مجرمانه خود عالم است و عمداً هم دست به انجام آن می‌زند ولی بر اثر اشتباه تمام عواقب و نتیجه حاصل از این را پیش‌بینی نمی‌کند. حال این سؤال مطرح است که اگر مرتکب همه عواقب را پیش‌بینی نکرده باشد آیا مسئول تمام آثار و نتایج حاصله جرم می‌باشد. مستفاد از مطالعه مواد ۱۲۶ و ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ در بخش تعزیرات استنباط می‌گردد که مرتکب جرم باید مسئول تمام آثاری باشد که علی‌القاعده عمل ارتكابی منجر به آن شده است چنان‌که قانون‌گذار اسلامی در ماده ۱۲۶ مقرر می‌دارد: "هرکس عمداً عمارت یا بنا یا کارگاه یا کارخانه یا انبار به‌طور کلی هر محل مسکونی، خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌ها متعلق به غیر را آتش بزند به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود." و در ماده ۱۲۸ که ناظر بر ماده ۱۲۶ می‌باشد مقرر داشته است: "در تمام موارد مذکور هرگاه حریق اسباب صدمه و جراحت یا هلاکت نفس شود مرتکب براساس موازین شرعی، به پرداخت دیه محکوم می‌شود و در صورت قاصد و آمر بودن به مجازات جنایات عمدی محکوم می‌شود."

به این ترتیب ملاحظه می‌شود هرگاه حریق سبب هلاکت نفس شود چنانچه مرتکب نتایج حاصله از جرم خود قاصد و عامد باشد عمل او قتل عمدی است و در مقام قاتل مجازات خواهد شد و این موضع حقوق ایران و حقوق انگلستان هماهنگ و هم راستا بوده و به نظر موضعی حقوقی و قابل دفاع بوده و لیکن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی ماده ۱۲۶ در قالب ماده ۶۷۵ مقرر نموده و ماده ۱۲۸ به دلایل نامعلومی حذف گردیده و لیکن در ماده ۳۵۲ قانون مجازات اسلامی در باب کتاب دیات مقرر می‌دارد: "هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود."

ولی در ماده ۳۵۳ قانون مرقوم مقرر می‌دارد: "هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگری سرایت می‌نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد. و همچنین در ماده ۳۵۴ قانون مذکور مقرر می‌دارد: "هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جایی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارده می‌باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد."

از مجموع مطالعه مواد مرقوم استفاده می‌شود که هرگاه فرد در ملک خود آتشی بیفروزد و به محل دیگری سرایت نماید ولیکن در اثر اشتباه موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد شد. ولی در حقوق انگلستان تخریب یا ایراد خسارت به مال از روی عمد یا سهل انگاری حتی در صورت تعلق داشتن مال به خود شخص، جرم دانسته شده و آن وقتی است که این کار به قصد خطر انداختن جان دیگری یا با سهل انگاری نسبت به این امر انجام می‌گیرد این عمل به موجب بخش (۲) قانون تخریب کیفری جرم و به

موجب بخش (۴) با حداکثر حبس دائم قابل مجازات است بنابراین کسی که خانه خود را در حالی که، دیگری در آن خوابیده و او نسبت به این مسئله عالم یا سهل انگار است آتش می‌زند یا کسی که سیم ترمز خودرو متعلق به خود را که در اختیار دیگری است قطع می‌کند مشمول این عنوان قرار می‌گیرد این جرم در واقع خصیصه‌های یک جرم علیه اشخاص و یک جرم علیه اموال را به طور توأمان دارد.

مطابق بخش ۲ قانون تخریب کیفری شخصی که بدون هیچ عذر مشروعی دیگری را نسبت به تخریب مال او یا یک شخص ثالث یا حتی نسبت به تخریب مال خودش به گونه‌ای می‌داند که از تخریب مال خودش احتمال به خطر افتادن جان آن شخص یا یک شخص ثالث می‌رود تهدید نماید مجرم و براساس بخش (۲) ۴ با حداکثر ۱۰ سال حبس قابل مجازات است به‌علاوه به موجب بخش (۳) در کنترل داشتن ابزاری، قصد استفاده برای تخریب مال دیگری و حتی تخریب مال خود، به شیوه‌ای که جان دیگری را به خطر خواهد انداخت جرم و براساس بخش (۲) ۴ با حداکثر ۱۰ سال حبس قابل مجازات می‌باشد.^{۴۵}

یا مثلاً در مورد عنصر روانی بزه تخریب در حقوق ایران براساس مواد ۶۷۵، ۶۷۷ و ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی که عنصر عمد اشاره کرده و بنابراین عنصر معنوی و اخلاقی جرم مذکور عمد آن نیز مرتکب در خراب کردن و حریق مال متعلق به دیگری است و این بزه با سهل انگاری و بی احتیاطی و غفلت قابل ارتکاب نیست و رأی به شماره ۱۴۹۵ / - ۱۳۱۹/۵/۲۲ شعبه دوم دیوان عالی کشور مشعر به همین معنا است.

۴۵. دکتر میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۱۹۰.

رویه برخی از کشورها و پذیرش اشتباه نسبت به قانون

از جمله دلایل توجیهی دیگر طرف‌داران پذیرش جهل بر قانون این است که در برخی کشورها جهل به قانون پذیرفته می‌شود بنابراین قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست». به عنوان یک قاعده بین المللی که در حقوق تمام کشورها پذیرفته شده باشد قابل دفاع نیست، زیرا بعضاً ممالکی یافت می‌شود که خلاف قاعده مذکور رفتار نموده است که به مواضع برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در قوانین کشورهای هلند، سوریه، لبنان و قانون سال ۱۹۵۱ کشور یونان جهل به قانون در شرایط معینی واقع هرگونه مسئولیتی شناخته شده است.

در کشور سوریه جهل به قانون ظرف مهلت معینی پذیرفته است. همچنین در مورد افراد خارجی که وارد این کشور می‌شوند در صورتی که عمل ارتكابی در کشور متبوع آن‌ها جرم نباشد تحت شرایطی جهل به قانون مورد توجه قرار می‌گیرد. در برخی کشورها نیز جهل به قانون به نحوی، مؤثر در مسئولیت کیفری مرتکب عمل مجرمانه بوده از موجبات تخفیف مجازات محسوب شده است.

فالقانون السوسیری (الماده ۲۰) يجوز للقاضي ان يخفف العقوبه اذا ثبت له الجهل^{۴۶} بالقانون.

مطابق ماده ۲۰ قانون جزایی کشور سوئیس قاضی مجاز شده است در مورد جهل به قانون مجازات مرتکب عمل مجرمانه را تخفیف دهد.

در کشور فرانسه نیز هر چند جهل به قانون به عنوان یک اصل پذیرفته نشده است اما در کشور مزبور به طور استثناء مواردی در قانون و رویه قضایا مشاهده می‌شود که جهل به قانون پذیرفته شده است.

۴۶. شرح قانون الجزا الكويتی، القسم العالم، مطبوعات جامعه الكويت، ۱۹۷۲، ص ۱۰۸.

در ماده ۴ فرمان ۵ نوامبر سال ۱۸۷۰^{۴۷} جهل به قانون در صورتی که بیش از ۳ روز از تاریخ انتشار قانون نگذشته باشد پذیرفته شده بود .

قابل ذکر است که در مقررات اخیر قانون مجازات کشور فرانسه که در سال ۱۹۹۴ لازم الاجراء گردید اشتباه حکمی غیرقابل اجتناب نسبی پذیرفته شده است . که ماده ۳-۱۲۲ قانون مجازات فرانسه مقرر می‌دارد:

«شخصی که باور خود را توجیه نماید که به خاطر اشتباه نسبت به قانون در مقامی نبوده تا بتواند به‌طور مشروع از انجام آن عمل اجتناب نماید از حیث کیفری مسئول نیست».^{۴۸}

- ماده ۱۷ قانون مجازات آلمان مقرر می‌دارد :

اگر مرتکب در زمان انجام عمل مجرمانه نمی‌دانسته که او کار خطایی (unrecht) انجام می‌دهد مقصر خواهد بود به این شرط که اشتباه غیرقابل اجتناب باشد اگر مرتکب می‌توانسته از این اشتباه اجتناب کند از میزان مجازات ممکن است کاسته شود .

- کاهش میزان مجازات با توجه به ماده (۱) ۴۹ قانون فوق خواهد بود که ترتیبی را برای کاهش حداقل مجازات قانونی لحاظ کرده است به عنوان نمونه تعیین یک سال حبس به سه ماه .

آثار اشتباه در جرم قتل در حقوق ایران

وجود اشتباه در شخص یا شخصیت منحصراً در جرم قتل قابل بررسی است .

47. Gaston stefani – Georges levasseru . Bernard Boulce driot penal general precis Dulloz Trezieme edition 1987.

۴۸. قانون مجازات فرانسه، ترجمه محمدرضا گودرزی برجرودی، لایلا مقدادی، ص ۲۸ ناشر : معاونت حقوق و توسعه قضایی قوه قضائیه، مرکز مطالعات توسعه قضایی .

۴۹. فلچر جور پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی، سیدزاده ثانی، ص ۲۶۱، انتشارات دانشگاه علوم رضوی.

به نظر عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان در مورد اشتباه در شخص و شخصیت در جرم قتل باید به مبناء و اصل عملی فرد که منتهی به قتل گردیده توجه و دقت کرده اشتباه در هدف و یا هویت مجنی علیه را باید به صورت زیر تفکیک نمود یکی در صورتی که مبنای عمل شخص غیر مجاز است و دیگری صورتی که مبنای عمل او مجاز بوده است.

الف) غیر مجاز بودن اصل مبنای عمل فرد

اشتباه موضوعی در موردی که مبنای عمل غیرمجاز باشد بی‌تأثیر در عنوان مجرمانه یا مسئولیت کیفری و یا در مجازات خواهد بود. در فرض فوق الذکر چون هم نتیجه عمل نامشروع است و همین مبنای عمل غیرمجاز بوده. زیرا، قاتل قصد داشته است انسانی را سلب حیات نماید حال چه شخص الف باشد و چه شخص ب و تنها در هدف یا هویت مجنی علیه دچار اشتباه شده است بنابراین این قتل عمد خواهد بود. زیرا، در قتل عمد خواست سلب حیات از انسان زنده است نه از شخص و نام معین زیرا قتل عمد با قصد غیرمعین هم واقع می‌شود مانند قصد شخص در بمب‌گذاری که هرکس باشد کشته می‌شود. بنابراین، این نوع قتل به عمد است به دلیل این که قصد عمد عنصر معنوی دوپایه دارد یکی رساندن ضربه به فرد دیگری و دیگری خواست نتیجه آن عمل، که مرگ انسان است منتهی مجرم یا در ذهنش یا در هدف مرتکب اشتباه شده است و این اشتباه در ذهن و یا هدف‌گیری چیزی را تغییر نمی‌دهد بنابراین سلب حیات از هیچ‌کدام فرقی نیست و هر کدام را که سلب حیات نماید نوع قتل، قتل عمدی خواهد بود.

ب) مجاز بودن اصل و مبنای عمل فرد

اشتباه موضوعی در مواردی که اصل و مبنای عمل فرد مجاز باشد در آن صورت تغییر دهنده عنوان مجرمانه خواهد بود.

به طور مثال پاسبانی که بعد از اقدامات قانونی برای دستگیری قاتل و یا سارق مسلحی که در حال فرار است مجبور می‌شود تیراندازی نماید و در اثر این تیراندازی عابری به قتل می‌رسد و یا مأموری که نظارت بر اعدام دارد در اثر مشابهت اسمی و مشخصات دیگری در شناسایی شخص محکوم به اعدام دچار اشتباه می‌شود و دیگری را به جای او اعدام می‌کند. و یا جایی که بر اثر اشتباه تیرش به انسانی اصابت می‌نماید و او را می‌کشد. چون در این گونه موارد و مشابه آن اصل، و مبنای عمل فرد مباح و جایز بوده است لذا اشتباه می‌تواند این نوع جرائم ارتكابی را از نوع قتل عمد به قتل غیر عمد (شبه عمد- خطای محض) تقلیل دهد. موجبات تخفیف و تأثیر در مجازات را به نفع مرتکب آن موجب گردد بنابراین اشتباه موضوعی در این گونه موارد رافع کامل عنوان مجرمانه نیست بلکه حداکثر می‌تواند مغیر عنوان مجرمانه باشد.

هر کسی قصد قتل یا ایراد ضربه به شخص معین را داشته باشد و در اثر اشتباه در عمل و یا اشتباه در اندیشه و فکر و عدم شناسایی درست مجنی علیه موجب قتل و ایراد ضرب به شخصی را گردد که قصد قتل یا ایراد ضرب او را نداشته است در اینجا جانی فقط برای قتل یا ایراد حرجی غیر عمد مسئول خواهد بود نه عمد، خواه فعلی که او قصد انجام آن را داشته است مباح بوده باشد خواه حرام و ممنوع و یکی از قضات دیوان عالی کشور ایران نیز مسئله را از دیدگاه فقه شیعه این چنین مورد بررسی قرار داده است: "به طور خلاصه آنچه موجب قصاص می‌گردد ریختن خون پاکی است که می‌بایست محترم نگه داشته شود بنابراین خصوصیت زید یا عمرو بودن مطرح نیست چون شخص آهنگ ریختن خون محترمی را نموده و به هدف خویش رسیده هر چند در مصداق اشتباه کرده است."^{۵۰}

۵۰. معرفت، محمدهادی، مقاله قتل عمد و شبه عمد و خطای محض، ص ۴۲، فصل نامه ۷، دفتر پنجم، تهران، انتشارات داد گستر، سال ۱۳۶۵.

مرحوم حائری شاه باغ نیز می‌نویسد: احراز قصد، اشتباه در هدف موجب خروج از ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ نیست زیرا انسانی را که محقون الدم بوده است^{۵۱} کشته است و عقوبت برای همین عمل معین شده نه برای خصوصیت عمرو و زید و ...

دیوان عالی کشوری ایران در آراء شماره ۱۸۰۷-۱۳۱۶/۸/۵ و ۱۸۰۰-۱۳۱۶/۸/۱۵ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور^{۵۲} که صادر کرده است چنین اشتباهاتی را مؤثر در تغییر عنوان جرم ندانسته است. اگر کسی به قصد قتل یک نفر تیری به طرف او خالی کند ولی تیر به خطا رفته و به دیگری اصابت کند و به قتل برسد چنین عمل واحدی که ناشی از یک تصمیم و مربوط به یک فکر و اراده می‌باشد اصولاً دو جرم محسوب نمی‌شود تا مستلزم تعیین دو مجازات گردد و عمل انتسابی از لحاظ اینکه مرتکب قصد کشتن انسانی را داشته و در اثر خطایی تیر به انسان دیگری اصابت و موجب فوت او شده یک جرم به‌شمار می‌رود که مسئول ماده ۱۷۰ قانون کیفر عمومی است.

مانند اینکه در شب تاریک به تصور اینکه شخص الف است اشتباهاً اقدام به کشتن شخص دیگری می‌نماید که این اشتباه در هویت است یا اشتباه در هدف‌گیری در نتیجه فرد دیگری کشته می‌شود مثلاً کسی از روی دشمنی قصد کشتن الف را دارد قصد کشتن وی را می‌کند و با تهیه سلاح در مسیر عبور وی کمین می‌کند تا وی را هدف گلوله قرار داده و به قتل برساند ولی به هنگام تیراندازی دچار اضطراب شدید می‌گردد و در نتیجه به جای آنکه آقای الف را نشانه بگیرد عابری را هدف قرار داده و به زندگی وی خاتمه می‌دهد.

۵۱. حائری شاه باغ، شرح قانون مجازات عمومی، ص ۷۴، تهران سال ۱۳۳۲.

۵۲. متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت کیفری، ص ۲۶۶، انتشارات رهام، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

این اشتباه قصد جزایی را تخفیف نمی‌دهد اگر کسی قصد کشتن شخص الف را داشته ولی شخص ب را می‌کشد مسئولیت یک قتل عمد به گردن او باقی می‌ماند زیرا اشتباه در قصد مرتکب تأثیری ندارد و اصطلاحاً اشتباه در شخصیت محسوب بنابراین در رویه قضایی در این مورد فقط یک جرم وجود دارد و باید توجه به رابطه مرتکب جرم با قربانی احتمالی خود تعریف شود (سبق تصمیم و قصد نتیجه) آیا در موردی که بر اثر عدم مهارت، گلوله‌ای که به طرف کسی نشانه‌گیری شده به کس دیگری اصابت می‌کند در بادی امر چنین سطر می‌رسد.^{۵۳} که در این مورد ممکن است دو جرم وجود داشته باشد یک جرم قتل خطاء محض و یک جرم شروع به قتل عمدی، براساس قاعده مآووق لم یقصد و ما قصد لم یقع، جرم قتل خطای محض در مورد کسی که اشتبهاً تیر به او اصابت کرده است و جرم شروع به قتل عمدی نسبت به شخصی که هدف مرتکب بوده است ولی رویه قضایی این راه حل را انتخاب نکرده است (رأی اصراری مورخ ۷۱/۷/۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور اشتباه در شخص مجنی الیه، عامل دفع قصاص و ثبوت دیه بر عهده جانی قلمداد گردیده). و می‌گوید در این مورد تنها یک جرم وجود دارد و آن باید با توجه به قصد مرتکب بسته به شخصی که هدف مرتکب بوده است ارزیابی شود و در حقوق انگلیس در رویه قضایی قائل است اگر نسبت به این شخص سبق تصمیم وجود داشته جرم در مورد شخصی که گلوله به او خورده است با سبق تصمیم تلقی خواهد شد.

گاهی اشتباه در قتل در استحقاق شرعی مقتول به قتل و مهدورالدم بودن مقتول (موضوع مواد ۲۲۶ و تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی) موجب سقوط قصاص و تبدیل آن به دیه می‌گردد.

۵۳. استاد حقوق جزای فرانسه، دیوید دواپر معتقدند در مورد اشتباه در شخص عمل ارتكابی را از نظر قضایی باید به دو قسمت تجزیه کرد اول، جرم عقیم از لحاظ شخص که مورد نظر مرتکب بوده و گلوله به او اصابت نکرده و دیگر جرم غیرعمدی از لحاظ اشتباهی که در شخص مورد اصابت گلوله رخ داده است. (علی آباد ۷، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱، ص ۶۸).

ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.

تبصره ۲ ذیل ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: در صورتی که شخص کسی را به اعتقاد قصاص یا اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر در دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده قتل به منزله خطاء شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است.

چون در موارد مذکور قاتل به تصور آنکه مجنی علیه به موجب قانون استحقاق مرگ یا کمتر از آن را دارد مرتکب قتل یا صدمه بر وی شود. که در این صورت بدون تردید جنایت ارتكابی موجب قصاص نخواهد بود زیرا اشتباه مذکور متوجه یکی از اجزای اصلی جنایت عمدی بوده و با توجه به فقدان عناصر لازم در تحقق رکن معنوی و عدم مجرمانه بودن اندیشه مرتکب به رغم وجود قصد فعل و قصد نتیجه عمد جانی را متزلزل می‌سازد. بنابراین اگر با اعتقاد به اینکه شخص مورد نظر فرزند وی را کشته است او را قصاصاً به قتل برساند بعداً معلوم گردد که شخص دیگری قاتل فرزند اوست جنایت وی عمدی نخواهد بود و همچنین است اگر به تصور آنکه طرف مهدورالدم است با غذای مسموم موجب جنایت وی گردد قتل عمدی نبوده و قصاص ثابت نمی‌گردد.

گاهی جانی با فکر مجرمانه و به قصد جنایت بر نفس محترمه‌ای شخص بی‌گناه دیگری را اشتبهاً به تصور آنکه فرد مورد نظر است هدف قرار داده مرتکب جنایت بر وی می‌شود در این صورت درباره حدود و ماهیت ضمان جانی اختلاف شده است.

منشأ اختلاف آراء و نظریات، آن است که اگر اشتباه مذکور را متوجه یکی از عناصر اصلی جنایت عمدی بدانیم قصاص منتفی خواهد بود و اگر آن را از اوصاف فرعی جنایت قلمداد کنیم اشتباه موجود مانع تحقق عمد و ثبوت قصاص نمی‌گردد.

گروهی براین باورند که تعیین هویت و اوصاف شخص مجنی علیه از اجزاء رکن روانی جنایت عمدی نبوده و کافی است جانی هدف خود را بالاشاره تعیین نماید قائلین به این رأی اشتباه قاتل در شناسایی شخصیت مقتول را مانع ثبوت عمد و اجرای قصاص ندانسته و نظر خود را چنین تقویت کرده‌اند که گمان و تصور قاتل صدق عرفی قتل عمدی را رفع نمی‌کند زیرا، چنان که گفتیم اعتبار خصوصیت در ضمن قصد هیچ مدخلیتی در تحقق عمد ندارد و مانند اینکه قاتل می‌داند که مقتول فرزند زید است اما گمان می‌کند زید تاجر است در حالی که زید دانشمند است.

به موجب این نظریه قصد اوصاف شخص مجنی علیه در عمد معتبر نبوده و در تمامی مواردی که قصد قتل انسانی عملاً وجود داشته است هر چند آن قصد به شخص معین تعلق گیرد و شخص دیگری که مقصود و مورد هدف نبوده کشته شده باشد قتل عمد خواهد بود. زیرا، بالاخره نفس محترمه‌ای بی‌جهت و بی‌گناه کشته شده است.^{۵۴}

مانند آن است که کسی بخواهد شراب انگور بخورد و در اثر اشتباه در مصداق دستش به سوی شراب خرما دراز شود و شیشه را سر بکشد این خطا در مصداق حد شرعی را ساقط نمی‌گرداند بنابراین اشتباه مصداقی در قتل و غیر آن، عمد است. به عبارتی دیگر چگونه ممکن است پدر و مادری که در غیرموقع دفاع به قصد کشتن سارقی اشتبهاً فرزند خود را در تاریکی شب به قتل می‌رساند آیا در جنایت بر فرزند خود می‌توان عامد دانست؟

بنابراین اگر جانی به دلیل تاریکی یا وجود پرده و حجاب به تصور آنکه مجنی‌علیه همان شخص موردنظر است غذای مسموم نزد وی گذاشته او را بکشد جنایت عمدی نبوده و فقط ضامن دیه آن خواهد بود.^{۵۵}

۵۴. مرعشی، آیت اله سید محمدحسن، مقاله، فصل‌نامه حق، دفتر ۶، ص ۱۱۲.

۵۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۲.

اگرچه قانون‌گذار به موجب منطوق بند الف ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی تعیین فیزیکی و بالاشاره مجنی‌علیه را در تحقق عمد کافی دانسته، و از این رو باید با وجود قصد فعل واقع شده بر شخص معین و قصد قتل وی جنایت را عمدی شمرده اما اشتباه حاصل از اشتباه مصداقی و نیز ضرورت احتیاط در دماء موجب تردید در ثبوت قصاص می‌گردد در پرسشی که از مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) شده است: شخصی به قصد کشتن فرد معینی و با استفاده از تاریکی شب به درب اتاق محل کار او رفته و درب را می‌کوبد و شخصی که از اتاق بیرون می‌آید به توهم اینکه همان شخص مورد نظر است با ضرب چند گلوله می‌کشد بعداً معلوم می‌شود مقتول فرد دیگری بوده است آیا این قتل عمد یا شبهه عمد محسوب می‌شود؟ در پاسخ آمده است در فرض مثل، قتل عمد محسوب نمی‌شود.

همچنین مقام معظم رهبری در پاسخ استفتاء مذکور چنین نظر داده است: تطبیق عنوان قتل موجب قصاص براین مورد خالی از اشکال نیست بلکه بعید نیست عدم صدق قتل عمد، بنابراین اگر فصل خصومت و مصالحه ممکن شود متعین همین است و الا باید از قاتل دیه قتل نفس گرفته شود.

استفتاء مذکور مبناء رأی اصراری جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۷۱ واقع شده و به موجب آن اشتباه در هویت مجنی‌علیه عامل دفع قصاص و ثبوت دیه برعهده جانی قلمداد گردیده.

به نظر می‌رسد که این استدلال به شرح زیر بتوان پاسخ داد: شخصی که از روی علم و اطلاع و با قصد مجرمانه و با سبق تصمیم اقدام به قتل انسانی می‌کند و بر سر راه او کمین نشسته به طرفش تیراندازی می‌نماید ولی در نتیجه اشتباه او انسان دیگری که مورد نظرش نبوده به قتل می‌رسد اثر عمل ارتكابی وی را دقیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

و با توجه به آیات کریمه می‌فرماید: من قتل نفساً متعمداً و جعلنا لولیه سلطاناً یا من قتل نفساً بغير نفسٍ او فساد فی الارض و کأنما قتل الناس جميعاً مستفاد می‌گردد که شارع مقدس عنوان طبیعت نفس انسان را مورد حمایت قرار داده به هر تقدیر در صور مذکور فرد در هر حال قصد کشتن یک انسان را نموده است و در موازین شرعی عنوان کلی انسان مورد حمایت بوده و با توجه به قاعده عقلی و فلسفی "ایجاد الطبیعه یتحقق بوجود فرد ما"، چون طبایع و عناوین کلی در ضمن افراد و مصادیق تحقق می‌یابند حال فرقی ندارد که در ضمن کدامیک از مصادیق آن تحقق یابد. و در ما نحن فیه یکی از مصادیق انسان کشته شده بنابراین پاسخ مسائل مذکور در باب اشتباه در شخص و شخصیت و هدف گیری عنوان قتل عمد را زائل نمی‌سازند و در حقوق انگلیس اشتباه در هدف گیری که با این استدلال که قصد قتل از فرد الف به فرد ب منتقل می‌گردد که اصطلاحاً TRANSFERRED MALICE (شر انتقال یافته) یا Transferred intend (قصد انتقالی) نامیده می‌شود. با این نظریه و استدلال منطبق و قابل دفاع است و پیشنهاد می‌شود که در اصلاح قانون مجازات اسلامی مد نظر قرار گیرد که با نظم عمومی که همانا حفظ صیانت حیات انسان‌ها می‌باشد سازگار است.

نتیجه‌گیری

همان‌طوری که در طول رساله با مفهوم اشتباه و جهل آشنا شدیم اشتباه از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب و جنبه شخصی دارد یعنی فقط شامل فردی که واجد این خصوصیت در ارتکاب فعل مجرمانه است، می‌باشد و به دیگر شرکاء و معاونین جرم تسری ندارد و از نظر حقوقی و رویه قضایی به دو نوع اشتباه موضوعی و اشتباه حکمی تقسیم می‌شود و در لسان فقهاء و علماء اصول فقه تعبیر به شبهه می‌شود و به شبهات حکیمه و شبهات موضوعیه منقسم است.

اشتباه موضوعیه: ناظر بر اجزاء موضوع جرم بوده و چون از نظر عقلی رابطه حکم و موضوع، مانند رابطه علت و معلول بوده با ایجاد شبهه و تردید در موضوع جرم، بالتبع تردید و شبهه در حکم ایجاد می‌گردد و قهراً نافی عنصر روانی جرم می‌گردد مانند اینکه در جرم سرقت، فاعل و مرتکب مال را به اشتباه به عنوان مال خود بردارد و جرم سرقت تحقیقی ندارد.

اینکه مفهوم اشتباه چه رابطه‌ای با مفهوم جهل دارد با بررسی که در محل آن به عمل آمد چون جهل دارای دو قسم، جهل بسیط و جهل مرکب است اشتباه با جهل مرکب هر چند دارای تغایر مفهومی است ولی اتحاد مصداقی دارد و از نظر آثار حقوقی تفاوتی با یکدیگر ندارد و در واقع قاعده مشهور «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست.» همان مفاد جهل حکمی یا اشتباه حکمی است و همان‌طوری که در مقدمه مذکور افتاد در مقررات قانون مجازات اسلامی ایران در بخش کلیات حقوق جزا که در واقع مبانی قانونی حقوق جزای عمومی است در باب جهل و اشتباه ساکت است ولی در قوانین حدود و قصاص به صورت پراکنده ذکر گردیده است.

اینکه قاعده مشهور مذکور با وجودی که در قوانین معظم کشورها قریب به اتفاق منعکس و مقرر گردیده و به لحاظ ارتباط تنگاتنگ با پدیده نظم عمومی که قانون جزا

حافظ آن است یک اصل خدشه ناپذیر به نظر می‌رسید ولی هم اکنون در قوانین بسیاری از کشورهای پیشرفته به لحاظ عدم انطباق آن با واقعیت های موجود در جامعه دچار تردید جدی گردید و چون در بسیاری از اوقات حتی حقوق دانان نظیر قضات و وکلاء دادگستری چه برسد به افراد عادی جامعه از وجود بسیاری از قوانین بی اطلاع بوده و اینکه با وجود کثرت قوانین در ابواب مختلف حتی بعضاً به صورت متعارض و متناقض آگاهی همگان بر آن‌ها غیر ممکن می‌نماید و این فرض قانونی که در حقوق ایران ملهم از مواد ۲ و ۳ قانون مدنی (فرض اطلاع همگانی از قوانین و مقررات ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی لازم الاجراء است)، چندان با واقعیت‌ها تطبیق نمی‌نماید و مضافاً اینکه در حقوق ایران خاصه قوانین جزایی که مقنن از منابع فقهی شیعه است با وجود قاعده مشهور فقهی و اصولی «قاعده در»، که از روایت مشهور نبوی استنتاج گردیده خوشبختانه با این واقعیت انطباق و هماهنگی دارد و این مستلزم بازنگری علمی در قوانین فعلی جزایی است و این نقصه، سکوت قانون‌گذار در باب ذکر اشتباه در بخش کلیات حقوق جزا و ذکر آن به صورت پراکنده در قوانین، مرتفع گردد و در عداد عوامل رافع مسئولیت کیفری نظیر صغر، جنون، ... در موارد قانون مورد تقنین قرار گیرد و در تصویب پیش نویس قانون مجازات اسلامی پیشنهادی از قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی در مبحث سوم تحت عنوان «اجبار، اضطرار، جهل و اشتباه» که خوشبختانه در راستای تحقق این هدف است تسریع به عمل آید و در ماده ۶-۱۴۳ آن مقرر گردیده: «هرگاه شخص در اثر خطاء در فعل و یا اشتباه در موضوع یا جهل به قانون در مواردی که جهل به قانون عذر باشد عمل مجرمانه از او صادر شود مستوجب مجازات مقرر بر آن عمل نخواهد بود و لیکن چنانچه در مقدمات سهل انگاری و بی احتیاطی کرده باشد مشمول مجازات غیر عمدی می‌گردد».

صریحاً عنوان "جهل و اشتباه" در عداد عوامل رافع مسئولیت کیفری پذیرفته و این خود تحول و پیشرفت مثبتی در قانون‌گذاری ایران محسوب می‌شود و با دیگر مقررات قانونی و اصول حقوقی هماهنگ و سازگار است.

و در مبحث پنجم تحت عنوان انجام وظایف قانونی در ماده ۲-۱۴۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی مأمور که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم می‌شود».

ماده ۳-۱۴۵: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم و یا در منطبق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت و در مورد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه موجب هتک حیثیت از کسی شود باید نسبت به اعاده حیثیت او از طریق اعلام در رسانه‌های عمومی یا جبران مادی طبق آنچه که در آیین دادرسی مقرر است اقدام شود.» که مادتين مار الذکر در واقع تکرار و بازنویسی مواد ۵۷ و ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد، تسريع به عمل آید.

فهرست منابع

الف: فارسی و عربی

۱. آزمایش علی ، حقوق کیفری اختصاصی جزوه کارشناس ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه ، ج ۱۸ ، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت ، لبنان.
۳. حلی (علامه) ، شیخ جمال الدین ابی منصور، بنصره المتعلمین فی احکام الدین ، انتشارات دارالکتب العلمیه .
۴. حلی (علامه) قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام ، انتشارات دارالکتب العلمیه .
۵. حلی (محقق) ابوالقاسم نجم الدین ، جعفر بن حسن، المختصر النافع، انتشارات دارالکتب العلمیه .
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش تهران .
۷. خویی، سید ابوالقاسم ، مبانی تکلمه المنهاج، دارالتعارف، بیروت، لبنان.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران .
۹. راغب اصفهانی ، ابی القاسم محمد، المفردات فی غریب الفاظ القرآن الکریم ، دارالمعرفه، بیروت، لبنان.
۱۰. سیاح، احمد، فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی ، تهران انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۱ .
۱۱. سیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاشتباه و نظائر ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
۱۲. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه .

۱۳. الطریحی النجفی، شیخ فخر الدین، مجمع البحرین، کتابفروشی بوذرجمری، مصطفوی .
۱۴. علی آباد، عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، تهران .
۱۵. فلچر، جورج پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، انتشارات دانشگاه علوم رضوی .
۱۶. قانون مجازات فرانسه، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، لیلا مقداده، نشر معاونت حقوقی و توسعه قضایای قوه قضایه.
۱۷. متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت کیفری، انتشارات رهام، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۸. مرعشی، سید محمدحسن، مقاله فصلنامه حق، دفتر ۶.
۱۹. مظفر، محمدرضا، المنطق الجزء الاول، انتشارات دارالتعارف، بیروت، لبنان
۲۰. معرفت، محمدهادی، مقاله قتل عمد، شبه عمد و خطاء محض، فصلنامه ۷، دفتر پنجم، انتشارات دادگستری، سال ۱۳۶۵.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپخانه، سپهر، تهران.
۲۲. میرمحمدصادقی، حسین جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ هشتم، نشر میزان.
۲۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
۲۴. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون و کلاء دادگستری.

ب: منابع لاتین

25. C. M. V. Clarkson, understanding criminal law, 1987 made a printed in gread Britain Fontana Press.
26. Micheal Jefferson MA, criminal law, fourth edition published 1999, pitman publishing.